

مجله موسیقی

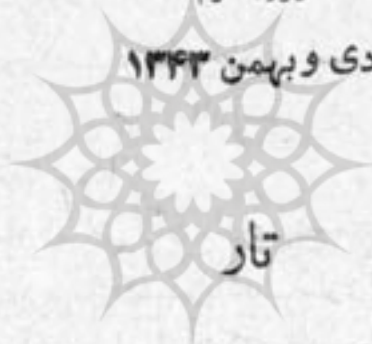
از انتشارات هنرهای زیبای کشور

شماره

۹۵-۹۶

دوره سوم

دی و بهمن ۱۳۴۳



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
از حسینعلی ملاح
رتال جامع علوم انسانی

« تار » یکی از سازهای ملی و متداول روزگار ماست - درباره سابقه تاریخی و چگونگی ساختمان این ساز ، درست یا نادرست مطالبی به اجمال نوشته شده است . در این بحث کوشش میشود ضمن اشاره به قولهای مختلف ، به تفصیل راجع به این ساز گفتگو شود .

سابقه تاریخی

« تار » در لغت بچند معنا آمده است ، آنچه در این مقام ضرورت استناد

دارد دو معناست که از چند فرهنگ معتبر نقل میشود :

صاحب برهان قاطع نوشته :

« تا » مخفف تار طنبور است - « تار » (بسر وزن مار) تارموی ، تار
ابریشم ، و تارراز و امثال آن باشد .

صاحب آندراج نوشته :

« تا » مخفف تار است ، و تارساز ، چون چنگ و طنبور و قانون و امثال
آن ، همین فرهنگ بیت ذیل را از وحید ، شاهد آورده است :

از احولی ، وحید دو بینند مردمان

ساز دودتاهای دیرو حرم را ، نوایکی است

خواجه شیراز سروده :

معنی ملولم نوایی بزین بیکنائی او ، دودتاهای بزین

قاسم مشهدی سروده :

رشته عشق چوبکست ، فغان خاموش است

تار تنبور چو بپریسد ، صدایش بپرسد

لغت نامه دهخدا نوشته :

« تار » ساز ایرانی و آن دارای پنج سیم است که با زخمه نوازند و
برکاسه آن پوست بره تنگ کشیده باشد - سازی ایرانی از ذوات الاوتار ، آلتی
است که اختراع آن را ایرانیان کرده اند و سه تار و ویلن را به تقلید تار
ساخته اند - تار عبارت است از کاسه‌ای از چوب توت و بدنه و دسته تار از چوب
فوقل و گردوی کهنه و پوست بره تودلی ، بر روی کاسه می کشند و روی دسته را

۱ - سندی معتبر در دست نیست که ثابت کند که اختراع تار (با هیئت و
شکل و ساختمان کنونی) توسط ایرانیان صورت گرفته است . افسانه‌هایی را هم که
به فارابی نسبت میدهند صحت ندارد - برخی ارسطورا مخترع این ساز نوشته اند
که اینهم بدلیلی که ذکر خواهد شد عاری از حقیقت است - و اما در مورد اینکه
نوشته اند ، « سه تار و ویلن را به تقلید تار ساخته اند . » باید گفت کاملاً دور از
واقعیت است زیرا سه تار پیش از تار موجود بوده است و ویلن هم از روی رباب یاریک
یا ویل ساخته شده نه تار .

با استخوان پای شتر می‌بندند و خرك روی کاسه را از شاخ گوزن میگذارند ،
و سپس شش سیم ، سه‌تای آن زرد و سه‌تا سفید ، از خرك تا دسته می‌کشند و از
روده گوسفند بیست و پنج پرده بر آن می‌بندند و با مضراب مینوازند و از معاریف
استادان تار ساز اخیر ، مرحوم یحیی و مرحوم استاد فرجاله هستند .

آقای روح‌اله خالقی در کتاب سرگذشت موسیقی ایران (ج اول - ص
۱۴۴ تا ۱۴۸) نوشته‌اند : « تار در لغت بمعنی رشته است و در آلات موسیقی
همان است که به اصطلاح امروز « سیم » گفته میشود و پیشینیان آنرا « وتر »
مینامیدند - هیچ سازی نیست که از آن بی بهره باشد ، مگر آلات بادی که در
آنها فشار هوا موجب ارتعاش و تولید صوت میشود .

معلوم نیست از چه زمان این نام به سازی که امروز در دست ماست اطلاق
شده است . تنها در شعر فرخی سیستانی در ردیف « غز » و « نزهت » که نام
دو آلت موسیقی است بکار رفته است :

هر روز یکی دولت و هر روز یکی غش

هر روز یکی « نزهت » و هر روز یکی « تار »^۱

آنچه مسلم است ما تا دوره صفویه سازی بنام و شکل تار امروزی نداشته‌ایم
زیرا در نقاشیهای آن دوره هم اثری از آن دیده نمیشود ، در صورتیکه در مجلس
بزم تالار چهل‌ستون اصفهان کمانچه و عود و سنتور را می‌بینیم ...

بعضی گویند : تار ، همان بر بطن باستانی است که بعدها عود نامیده شده

۱ - بنظر اینجانب این بیت هم نمیتواند شاهد معتبری بر متداول بودن
سازی بنام تار با ساختمان امروزی آن در آن روزگار باشد ، زیرا الفاظ « غز »
و « نزهت » و « تار » با معنای دیگری هم بکار رفته‌اند ، غز میتواند معرب کز یا
بمعنای ابریشم باشد و نزهت را نیز میتوان بمعنای دوری و یا خوشکامی و تندرستی
گرفت و تار را بمعنای تیره‌گی قبول کرد - در اینصورت معنای بیت فوق چنین
میشود ، روزگار یکی خوش و قرین بمال و مکننت بود و روزگار دیگری کز و قرین
نامرادی بود - روزگار يك کس به شادکامی و تندرستی میگذشت و روزگار آن
دیگری به تیره‌گی و نکبت سپری میشد .

بنابراین باز هم می‌بینیم که کلمه تار بمعنایی که نیت ماست مورد استعمال
نداشته است . کما اینکه خود آقای خالقی بلافاصله بعد از نقل بیت فوق مینویسند ،
« آنچه مسلم است ما تا دوره صفویه سازی بنام و شکل تار امروزی نداشته‌ایم ... »

است ، در اینکه عود و بربط یکیست شکی نمیباشد ولی تار ، به طنبور بیشتر شباهت دارد تا به عود و بربط ...

برخلاف عود که دسته‌ای کج دارد ، دسته طنبور راست و بلند است و مانند تار ، پرده بندی میشود ولی عده پرده‌های آن کمتر است ، شکل طنبور همه‌جا در نقاشیهای قدیم بخصوص در مینیاتورها دیده میشود و کاسه آن از چوبست و دهانه آنهم پوست ندارد مثل سه تار ، ولی کاسه اش بزرگتر است بشکل يك نصفه خر بوزه .

بنظر چنین میرسد که : سه تار از نوع طنبور بوده است با این تفاوت که طنبور را با چهار انگشت دست راست (بدون شست) بصدا میآوردند ، ولی در سه تار ، ناخن سبابه عمل مضراب را انجام میدهد ، تصور میکنم چون صدای سه تار کم بوده است این ساز را بزرگتر کرده و روی آن پوست کشیده‌اند و با مضراب فلزی نواخته‌اند تا طنین آن بیشتر شود .

وجه تسمیه سه تار معلوم است زیرا در اول سه سیم داشته و بعدها يك سیم به آن اضافه شده است . هنوز هم برخی از اهل فن آن را سه سیم مینامند . سیم‌های تار هم اقتباس از سه تار است منتها برای اینکه صدا قوی‌تر شود سیم‌های اول و دوم (زرد و سفید) را جفت بسته‌اند و پنج سیم پیدا کرده است و سیم ششم چنانکه معروف است بعدها بوسیله غلامحسین درویش از روی سه تار ، به آن اضافه شده است .

اینکه شهرت دارد ابونصر فارابی مخترع تار بوده است حکایتی بیش نیست و سند تاریخی ندارد . در دوره صفویه از نوازنده‌ای بنام استاد شهسوار چهار تاری نام برده‌اند و معروف است که شیخ حیدر (وفات ۸۹۸ - ۵ . ق .) که یکی از مؤسین این سلسله است مخترع چهار تار است ، همچنین گویند : شخصی بنام رضاء الدین شیرازی شش تار را اختراع کرده است .

دردوره قاجاریه تار ، یکی از ارکان موسیقی ایران شده است - ساز دیگری هم از نوع طنبور و سه تار در ایران داریم که «دوتار» نامیده میشود و

۱ - گویند سیم اضافی را مشتاق علیشاه بکار برده است چنانکه برخی آن را «سیم مشتاق» گویند ..

در میان ترکمن‌های دشت گرگان نیز معمولست ، شاید بتوان در قفقاز که نوعی از تار بسیار معمولست سابقه قدیمتری برای آن پیدا کرد .
همانطور که آقای خالقی نوشته‌اند سابقه تاریخی تار در ایران نباید خیلی دور باشد - در هیچیک از دیوانهای شاعران متقدم لفظ « تار » بمعنای يك ساز مستقل آنهم با ویژه گیهای امروزی نیامده است . فقط در دیوان منوچهری يك بیت هست که در آن رودکی را « تارزن » نوشته است :

در خراسان بوشعیب و نوذر آن ترک کشی

و آن صبور پارسی و آن رودکی تارزن

در بعضی از نسخه‌ها « رودکی چنگ زن » نوشته شده ولی در نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شماره‌های ۲ - ۳ - ۴ - ۵ و چند نسخه دیگر ، از جمله نسخه چاپی که به همت آقای محمد دبیرسیاقی بچاپ رسیده است رودکی تارزن نوشته شده است که بی گمان درست نیست .

نظیری نیشابوری در غزلی این کلمه را بوجهی مستقل آورده است

به موئی بسته صبرم نغمه تار است پنداری

دلم از هیچ میرنجد دل یار است پنداری

که بی شك مراد از لفظ « تار » در این بیت وتر یا سیم ساز است نه مطلق تار . در فرهنگ آنندراج نیز بییتی از ابوطالب کلیم نقل شده که لفظ تار در آن ذووجهین بکار رفته است :

شوشگاه علم آسانی و مطالعات فریبگی
زمانه ساز طرب میزند چنانکه بگوش

ترتیب ساز ز داوید ان عنبکوت نغمه تار

اما قآنی شاعر معروف دوره ناصری به کرات از این ساز نام برده است :

رفت و بالاله‌رخان دامن صحرا بگرفت

با می و چنگ و نی و بریط و رود و دف و تار

*

خاصه با الحان سار و صلصل و دراج و کبک

خاصه با آواز چنگ و بریط و طنبور و تار

*

آماده کردم بهر وی ، تار ورباب وچنگک ونی
نقل وکباب وجام ومی ، واسباب عشرت سربس

*

کس نکوید جز سراحی ، کس ننالذ غیرچنگک
کس نجوشد جز خم می ، کس نموید غیرتار

*

همه اسباب طرب کرد کنم در خانه
از می و بربط و رود ونی وعود ودف و تار

*

چون وصف مجلس تو کنم خیزد از لبم
آواز چنگک و نغمه نای و نوای تار

*

مجلسکی خاص و یارکی دو سه همدم
نقل و می و عود و رود و تار خوش الحان

*

دهند مزده نوگلان که نوبهارا میرسد
بشیر او ز بلبلان نه یک ، هزار میرسد

نسیم ، چون قراولان زهر کسناز میرسد
بگوش من ز صلصالان خروش تار میرسد

به مغز من ز سنبلان نسیم یار میرسد

ولی ز نوبهارها به است نوبهار من

*

ساکس آلمانی در فرهنگ کامل آلات موسیقی نوشته : « تار به زبان فارسی
و افغانی بمعنای وتر یا سیم (سازاست) - در هندوستان ، بمعنای زه یا روده ای
است که بر ساز می کشند -

این لفظ در ایران وقفقاز به سازی شبیه گیتار اطلاق میکرد که دارای
کاسه چوبی است بشکل « 8 » - روی این کاسه پوست کشیده شده و دارای دسته

بلندی است که پرده‌بندی گشته و از پنج تا هشت سیم فلزی دارد که کوکهای مختلف میشوند و با مضراب نواخته میگردد .

اوزن فلاندن که در سال ۱۲۱۹ (۱۸۴۰ تا ۱۸۴۱) در ایران بوده است در سفرنامه خود مینویسد :

« ... ایرانیانی که بسیار دولتمندند بسرناهار ، دوسه مطرب می‌آورند یکی از آنها خواننده است که پیوسته آوازهای یکنواخت میخواند و اشعارش بیشتر از عشق ، شراب و شجاعت صحبت میدارد ، سازهایی که با این آواز همراهست يك دایره زنگی است يك چنگک^۱ . »
ادوارد براون مینویسد^۲ :

« میزبان برای سرگرمی مهمانها هیئت ارکستر هم می‌آورد و این هیئت جز در مهمانیهای بزرگ درباری مرکب از سه نفر است که یکی از آنها تار میزند و دیگری طبلی موسوم به دنیک رامینواز و سومی آواز میخواند ... »
در سفرنامه اول مظفرالدین‌شاه بفرنگک^۳ (۱۳۱۷ هـ - ق - ۱۲۷۹ شمسی) نوشته شده :

« امیرال آمده عرض کرد تار قدیم^۴ روسیه را چند نفر از قزاقها بلد هستند و میزنند اگر میل دارید بیایند بزنند ... آمدند زدند ... شکل تار آنها برخلاف تار ایران مثلث است ، آواز هم خواندند ، تازه گی داشت ، نوت او را گرفتم که به موزیکانچیهای خودمان یاد بدهم . »

در سال ۱۳۴۲ نگارنده سفری به اصفهان کرد تا چگونگی سازهای نقش شده بر دیوارهای چهل‌ستون را از نزدیک مشاهده کند -

بر دیوار ضلع غربی این طالار دو نقش رسم شده یکی در بخش فوقانی

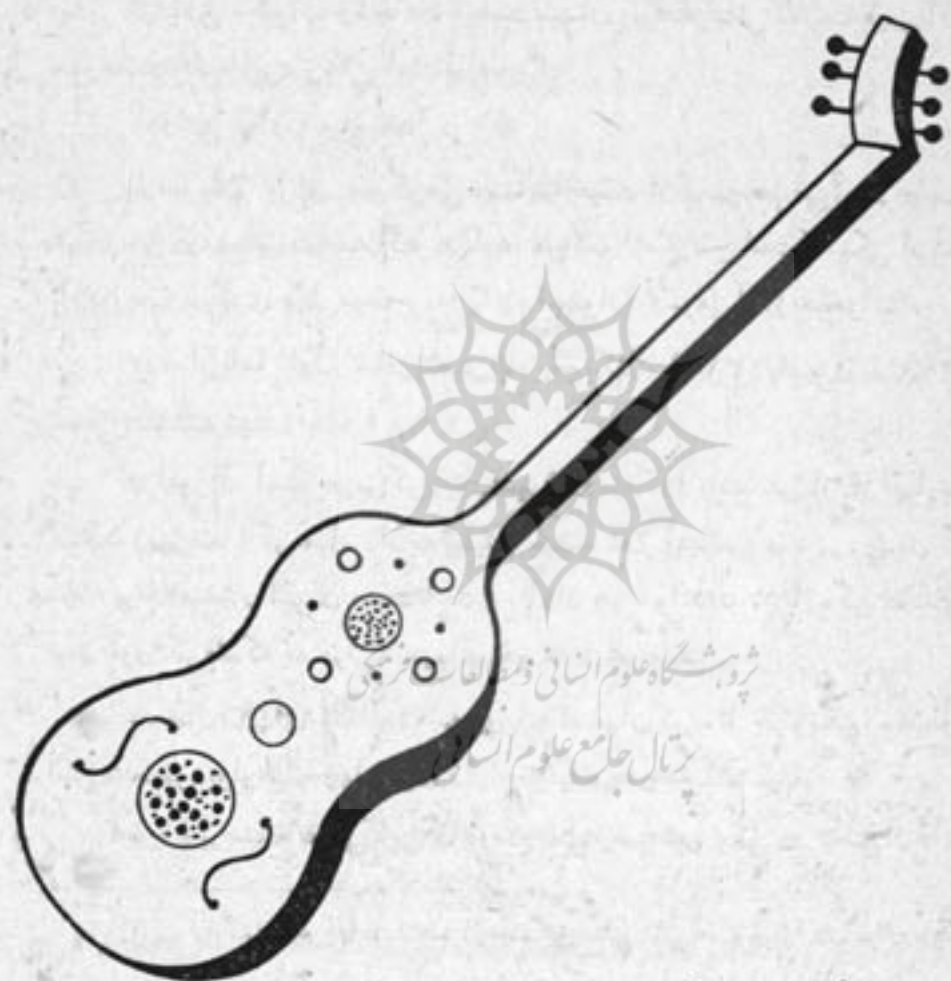
۱ - بی‌گمان مراد نویسنده از چنگ همان تار است زیرا در جای دیگر نوشته ، « در کنارش زنی با مضراب فلزی چنگ مینواخت » از آنجا که چنگ را با مضراب نمینوازند بی‌شک مراد همان تار بوده است .

۲ - کتاب یکسال در میان ایرانیان ص ۱۱۵ .

۳ - صفحه ۵۱ .

۴ - گویا مراد بالالایکای روسی باشد که کاسه‌اش بشکل مثلث است .

ویکی در بخش تحتانی دیوار است نقاشی بخش فوقانی تجسم يك مجلس مهمانی است که شاه عباس (۱۰۳۸ - ۹۹۶ هـ - ق) به افتخار ولی محمد خان فرمانروای ترکستان ترتیب داده بوده است - نوازندگان با سازهای کمانچه نی هفت بند و دایره زنگی مشغول نوازندگی هستند و رقاصه‌ها نیز در حالیکه قاشق‌وزنکوله (یا چغانه) در دست دارند سرگرم پایکوبی میباشند در این نقاشی سازی ترسیم شده که شکل ظاهری آن چنان است که در تصویر زیر مشاهده میکنید :



« از سازهای نقش شده بر یکی از تالارهای چهل ستون »

مشخصات این ساز :

۱ - نخستین سازی است که نغاره یا کاسه طنینی آن اندک شباهتی با نغاره

تار دارد .

۲ - روی این کاسه از چوب پوشیده شده و سوراخهای طنینی آن مانند بربط یا عود تزیین گشته است .

۳ - اضافه بر سوراخهای متداول در روی صفحه عود بر صفحه این ساز دو شیار بشکل « S » تعبیه کرده اند که نظیر این دو شیار را روی صفحه و پلن میتوان مشاهده نمود .

۴ - دسته این ساز از دسته عود و بربط طویل تر است ولی پرده بندی ندارد .

۵ - شش سیم داشته که از یک طرف به سیم گیری که روی صفحه کار گذاشته اند بسته میشود و از سوی دیگر به شش گوشی که در منتهی الیه دسته تعبیه کرده اند پیچیده میشود است .

۶ - شکل ظاهری این ساز شباهت تام به گیتار دارد .



در میان نقشها و نقاشیهای موجود این نخستین نقش از سازی است که کاسه طنینی آن اندک شباهتی با تار دارد جز این مدرک دیگری که اثبات کند تار با شکل و هیئت و ساختمان امروزی در روز گاران گذشته در ایران متداول بوده است در دست نداریم و یا شاید هست و نگارنده از آن بی خبر است .

استاد علی نقی وزیری (کلنل) در کتاب «دستور تار چاپ برلن ص - ۱۱» نوشته اند : « در عصر یونان که خوشبختانه تاریخ آن به اندازه کفایت باقی است معلمین بزرگ ریاضی بعضی آلات سیمی و زهی اختراع نموده به نرمی و لطافت ترانهها افزودند ، و از قرار معروف ماخذ تار حالیه که فارابی پرده بندی و سیمهای اضافه آنرا تکمیل کرده است از ارسطو میباشد » .

ضروری است گفته شود : این نظریه هم درست نیست و یا لااقل متکی به سند و مدرکی نمیشود - فارابی در چگونگی پرده بندی تنبور مطالعاتی کرده است ولی در هیچ کتابی نوشته نشده که پرده بندی تار را تکمیل کرده است از این گذشته همه میدانیم که ساختمان تنبور با تار امروزی تفاوت فاحش دارد .

۱ - خود استاد وزیری نیز با این نظریه امروز موافق نیستند .

بر بنیاد آنچه نوشته شد گزیری نیست که تار را یکی از مشتقات تنبور یا سه تار بدانیم و در مورد تاریخ تغییر شکل آن بصورت امروزی و تسمیه آن به تار فعلا سکوت کنیم تا مدارك معتبرتری بدست بیاوریم .

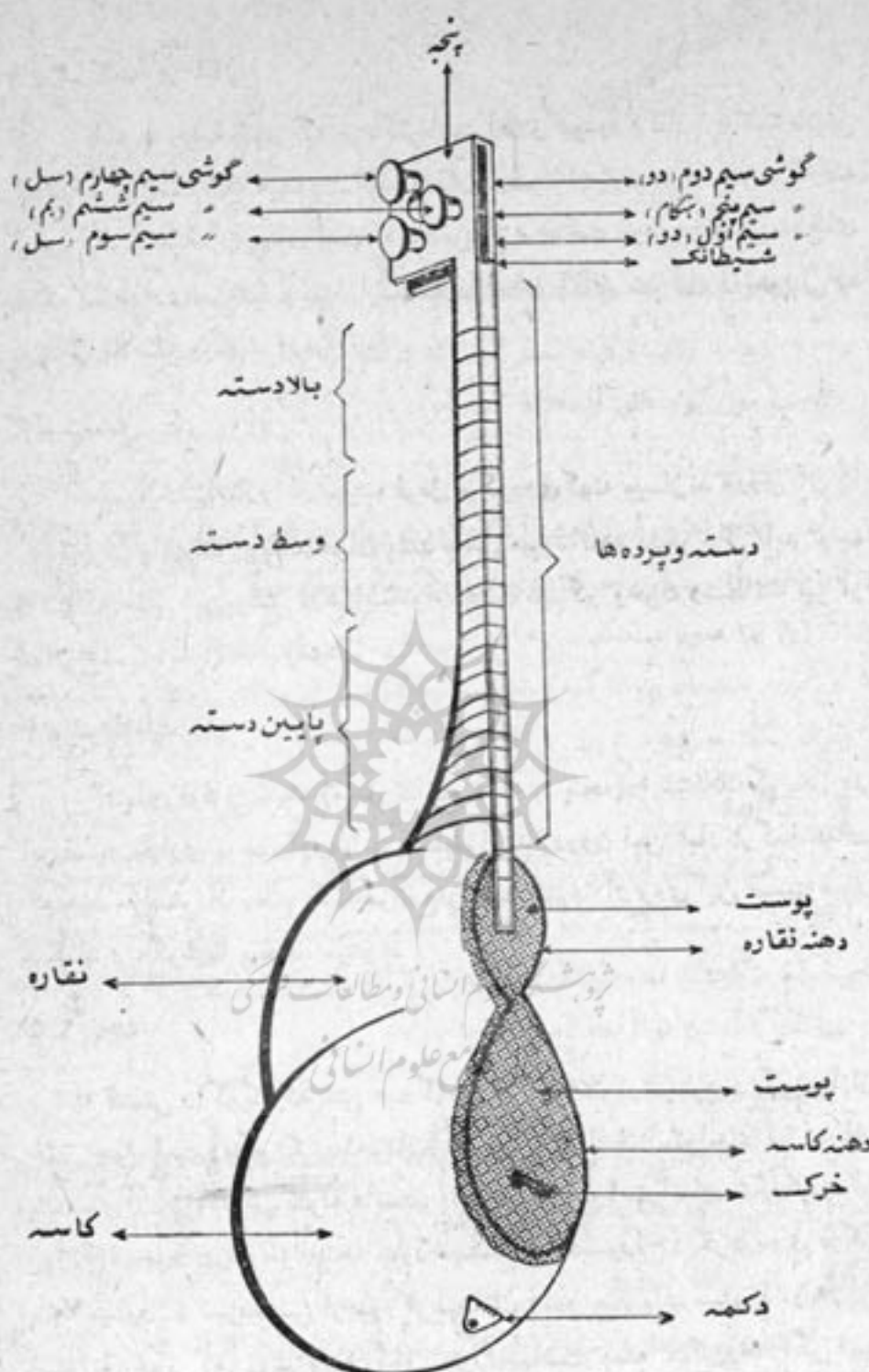
در هر حال سازی است از خانواده آلات موسیقی سیمی مضرابی (ذوات - الاوتار مقید) که از عصر قاجاریه تا زمان حاضر یکی از سازهای محبوب و متداول در ایران بوده است و برای اجرای نغمات موسیقی ملی ما یکی از بهترین سازهاست و هم اکنون بعنوان يك ساز ملی معمول و متداول میباشد .

ساختمان تار

استاد محترم آقای وزیري اعضای مختلف تار را چنین نام گذاری کرده اند :

- 
- ۱ - کاسه
 - ۲ - نقاره
 - ۳ - دسته (پائین دسته - وسط دسته - بالادسته)
 - ۴ - شیطانك
 - ۵ - پنجه (محل قرار گرفتن گوشهها)
 - ۶ - دهانه نقاره
 - ۷ - دهانه کاسه
 - ۸ - خرك
 - ۹ - دگمه (محل اتصال سیمها به کاسه)
 - ۱۰ - پوست
 - ۱۱ - پردهها
 - ۱۲ - مضراب
 - ۱۳ - سیمها

۱ - دستور تار چاپ برلن ص ۲۰ و ۲۱ - لازم است توضیح داده شود - که از شماره ۱۰ ببعد را نگارنده افزوده است .



اجزای تار و نام بربک

۲۹۱- کاسه و نقاره

کاسه به جمیع طنینی که بزرگتر است اطلاق میشود و نقاره به کاسه طنینی که کوچکتر است گفته میشود - کاسه و نقاره معمولا از چوب درخت توت ساخته میشود و طرز تهیه آن چنان است که کنده یا گره درخت توت را مدتی در جای خشک نگاهداری میکنند و پس از اینکه از هر لحاظ آماده شد آن را بصورتی که در شکل ملاحظه میکنید درمیآورند .

۳ - دسته

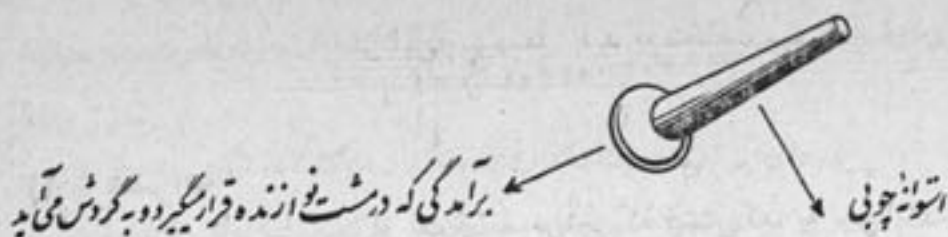
معمولا دسته تار را از چوب فوفل و گردوی کهنه میسازند و روی آن را با استخوان پای شتر و یا استخوان پشت ماهی میپوشانند. در هر حال باید توجه داشت که جنس این پوشش از هر استخوان هست سیم گیر و خرك و شیطانك نیز از همان جنس باید انتخاب شود .

۴ - شیطانك

انتهای فوقانی دسته (محل تقاطع دسته با پنجه) را شیطانك گویند. در این قسمت شیاری بوجود آورده اند و استخوانی را درون این شیاری کار گذاشته اند که چند میلیمتر از سطح دسته مرتفع تر است سیمها از روی این قسمت عبور میکنند و به گوشهها پیچیده میشوند .

۵ - پنجه

قسمتی را گویند که شش عدد گوشه بر آن استوار میشود - گوشهها از جنس چوب است و چگونگی ساختمان آنها عبارتست از يك استوانه ای که انتهای يك سوی آن برآمدگی گلوله مانند ای دارد قسمتی که استوانه ای شکل است از سوراخ موجود در يك سوی پنجه عبور میکند و وارد سوراخ دیگر در سوی دیگر پنجه میشود - سیمها پس از عبور از شیطانك وارد حفره ای میشوند و به این استوانه چوبی که دوسر آنها داخل سوراخهاست بسته میگردند اگر این استوانهها را بوسیله همان برآمدگی بگردش درآورند سیمها کشیده یا باز میشوند و عمل كوك کردن سیمها با یکدیگر انجام می پذیرد .



۶ - دهانه نقاره - ۷ - دهانه کاسه

دهانه نقاره و کاسه بخشی است که پوست روی آن می کشند - دهانه نقاره
بتناسب معین کوچکتر از دهانه کاسه است .

۸ - خرك

قطعه استخوانی است از شاخ گوزن و یا از جنس استخوانی که روی دسته
تار کشیده اند - این خرك روی پوست کاسه در محل معین قرار میگیرد و سیمها
از روی آن عبور میکنند - به این خرك سوراخی کار گذاشته اند که زهی را از
آن عبور میدهند و به دگمه متصل مینمایند این زه برای استوار نگاهداشتن
خرك بکار میرود .

۹ - دگمه

قسمتی است استخوانی که به بدنه کاسه متصل است و بمنزله سیم گیر محسوب
میکردد - سیمها از یک سو به دگمه مقید میشوند و از سوی دیگر به گوشیها
پیچیده میگردند - معمولاً روی دگمه را با یک تکه مقوای می پوشانند که سرسیمها
به دست یا آستین نوازنده آسیب نرساند .

۱۰ - پوست

جنس پوستی که برای پوشش دهانه نقاره و دهانه کاسه بکار میرود پوست
بره تودلی یا پوست ماهی است .

۱۱ - پردهها

جنس پردهها یا دستانهایی که بردسته تار می بندند از زه یا روده گوسفند
است که چگونگی قرار گرفتن آنها به اجمال در صفحات بعد توضیح داده

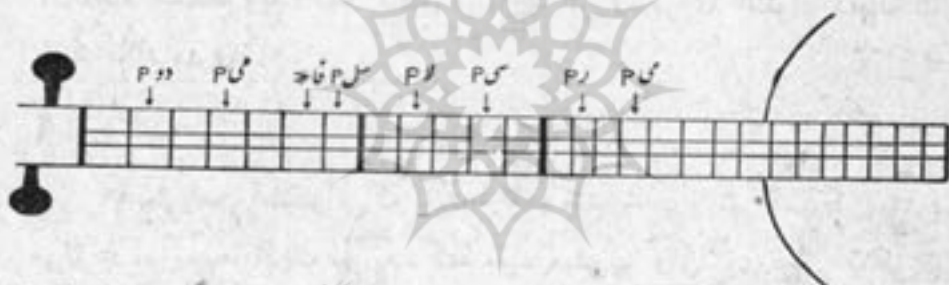
خواهد شد - در هر حال قطر این پسردها باید به ضخامت سیم اول ویلن آلتو باشد .

۱۳ - مضراب

مضراب تار عبارتست از يك قطعه برنجی که قسمتی که به سیمها زده میشود صیقل یافته و قسمتی که موم گرفته میشود صیقل نیافته و اندکی پهن تر است درازای این مضراب و مقدار مومی که باید به آن گذاشت متغیر و متفاوت است .

۱۳ - سیمها

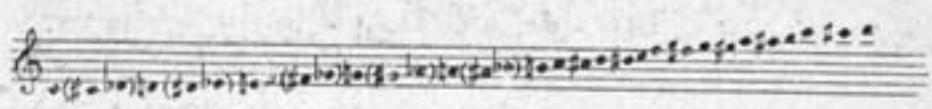
سیمها از جنس فلز است ، دو سیم اول و پنجم برنگ سفید و سه سیم سوم و چهارم و ششم برنگ زرد است .
استاد وزیری در دو کتاب دستور تار خود راهنماییهایی به نوازندگان تار کرده اند که ضرورت دارد قسمتهایی از آن در اینجا نقل شود :



(پسرده باندی تار با نشان دادن محل بستن پسرده های ایرانی)
(بدون در نظر گرفتن پسرده های ایرانی)

رتال جامع علوم انسانی

روی سیمهای سفید که سیم دو نامیده میشوند صداهای ذیل اجرا میشوند:



بيك قوت حادث شود ودر هيچ حالي مضراب نبايد سيم را بكنند يعنى نبايد مثل چنگك كه سيم را مي كشد باعث حدوث صدا بشود .

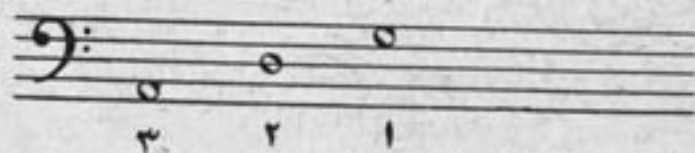
۶ - تار را جاي مرطوب نبايد گذاشت ، گذشته از اينكه چوب آن خراب ميشود و دسته مي پيچد پرده هاي آن با تماس با هواي مرطوب رطوبت گرفته پاره ميشوند . - از آفتاب نيز بايد پركنار داشت زيرا پوست آن را خراب مينمايد . - بنا بر اين به ميخى از گوشى آويخته شود و ياد ر هواي معتدلى روى « جاي تارى » كه مطابق دستور نويسنده ساخته شده قرار بگيرد بهتر است !

انواع تار

استاد وزيرى در سال ۱۳۰۴ ار كستري از هنر آموزان و هنر جويان مدرسه عالي موسيقى ترتيب دادند . - براى اينكه اين ار كستر از نظر صدا دارى و قدرت اجرا تقويت گردد و ضمناً رنگه ملي آن نيز محفوظ بماند با تغيير قطر سيم ها و پوست تار معمولى سه نوع تار ديگر ابداع نمودند .
تار معمولى را تار تنور و تارهاي ديگر را به ترتيب « تار باريتون - تار باس - و تار سپران » نام نهادند .

۱ - تار باريتون

اين تار از لحاظ حجم و اندازه همانند تار معمولى است فقط جنس سيم هاي آن بجاي اينكه از فلز باشد از روده يا زه مي باشد . - قطر سيم اول و دوم آن به ضخامت سيم (لا) و (ر) ويلن و سيم سوم به ضخامت سيم (ر) ويلنسل است و بوجه ذيل كوك ميشود: *تار جامع علوم انساني*



يعنى يك سوم بم تر از تار تنور .

مضراب تار باريتون مانند مضراب ماندولين و بشكل مثلث است و از چوب درخت گيلاس يا كاڅوچو درست ميشود . (اغلب ديده شده كه از طلق هائي كه در

بقه پیراهن میگذارند استفاده کرده اند) مضراب را میان انگشت اول و شست قرار میدهند .

آقای وزیری نوشته اند : « صدای تار باریتون و باس چون کم‌طنین است بیشتر قسمت‌های ضربی و آکوردها را که بین آنها تقسیم کرده اند اجرا مینمایند ولی برای ملودی نیز در صورتی که نوازنده با مضرابهای ریز اجرا کند از عهده هر قسم ملودی برمی آید - صدای تار باریتون نسبتاً نافذ و قدری کمیک است ، در صورتی که تار باس پوشیده و با وقار است و اگر با مضرابهای تك ، آرمی را به اوزان مناسب بین آنها تقسیم نمائیم تأثیر تمبکی را میدهند که تنالیته داشته باشد - در این صورت همیشه باید باس را بمنزله دست راست و باریتون را دست چپ تمبک فرض نمود که در موسیقی‌های مارش و باله و غیره مورد استفاده خواهد بود . »

وسعت حقیقی و نوت نویسی آن به وجه ذیل است :



نوت نویسی انتقال یافته



صدای حقیقی

۲ - تار باس

طول آن چند سانتیمتر درازتر از تار تنور است و کاسه آن نیز بهمان نسبت اندکی بزرگتر است - همانند تار باریتون دارای سه سیم از جنس « زه » یا رود. میباشد که « ر » ویلن و دومی « ر » ویلنسل و سومی « سل » ویلنسل کواک میشود - نوت خوانی آن مانند تار تنور است ولی همیشه يك هنگام بم‌تر

از نوشته صدا میدهد - در پارتیسیون ارکستر ، باید با کلید « فا » (مانند ویلنسل) نوشته شود - وسعت صدای آن چنین است :



از « دو » تا « سل » یعنی يك نوزدهم ، ولی معمولاً همان وسعت تار تنور را میتوان برای آن تصور کرد .

آقای وزیرى معتقدند : « برای موسیقی ایرانی این دسته ساز پشتیبان خیلی محکمی برای تنالینته و هدایت سازهای آرشه‌ای که بنوبت خود در مقابل این ، يك دسته متضاد (Contrast) صغی ایجاب میکنند - همین نظر اخیر کفایت میکند که از شرکت آنها در ارکستر نتوانیم صرف نظر نماییم ، پس ناچار باید در صد تکمیل آنها برآمده از حیث ساخت ، شکل ، و تغییر پوست به صفحه چوب ، و حجم زه‌های آنها دقت‌های کامل نمود. تا تتبعات بهتری نمود ، چون تاکنون از لحاظ ساختمان تارهای باس و باریتون اقدامی نشده است ، بنا بر این برای اینکه از نظر فرم و شکل بزرگ نشوند و بهتر در بغل بنشینند - ناچار باید بوسیله ضخیم کردن سیم‌ها این منظور را عملی ساخت .

۳ - تار سیران

تاری است کوچکتر از تار تنور و يك چهارم زیرتر از تار تنور نیز كوك میشود .



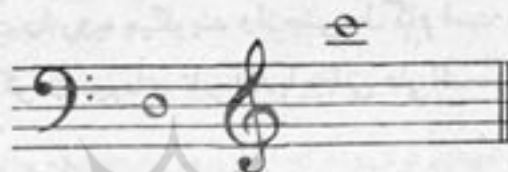
كوك تار سیران

یگانه اختلافی که با تار تنور دارد کوتاهی دسته و کوچکی کاسه طنینی

آنست - نوت نویسی آنهم (چون يك چهارم زیرتر از تار تنور است) باید صدای مورد نظر را يك پنجم پایین تر نوشت .
 وسعت صدای حقیقی تار سپران چنین است :



ولی چون به پنجم تحنانی انتقال داده میشود برای نوازنده چنین میشود :



که عیناً با همان اصول پرده شناسی تار تنور نواخته میشود .

تار آذربایجانی

تاری که در آذربایجان ایران و آذربایجان شوروی وقفاز و بعضی از شهرستانهای شمالی ایران بویژه در قوچان و باجیگران معمول است از لحاظ شکل و چگونگی ساختمان تفاوتی با تار معمول دارد .
 فرق عمده تار آذربایجانی با تار معمولی اینستکه :

- ۱ - دسته تار آذربایجانی پهن تر است ولی از لحاظ طول یکسان میباشد
- ۲ - پنجه (محل قرار گرفتن گوشیهها) دارای ۹ عدد گوشیه است
- ۳ - کاسه طنینی تار آذربایجانی مانند تار معمولی از دو قسمت تشکیل میشود که در اصطلاح محلی چناق بزرگ و چناق کوچک میگویند (منظور از چناق بزرگ کاسه ، و مراد از چناق کوچک نقاره است) تفاوت عمده میان کاسه تار آذربایجانی با معمولی اینستکه ، پشت کاسه تار آذربایجانی طوری ساخته شده که در موقع نواختن میتوان آن را در حال ایستادن بر روی سینه قرارداد و نواخت ، در صورتیکه پشت کاسه تار معمولی محدب است و جزاینکه در بغل

بگیرند و نشسته بنوازند دروضع دیگری نواختنش به راحتی میسر نیست .
 ۴ - مضراب تار معمولی از فلز (برنج) است و مضراب تار آذربایجانی
 از شاخ گاو میش ساخته میشود .

اصطلاحاتی که در زبان ترکی برای قسمت‌های مختلف تار موجود است
 به قرار زیر است :

۱ - محل قرار گرفتن گوشی‌ها را « پنجه » یا « کله » میگویند

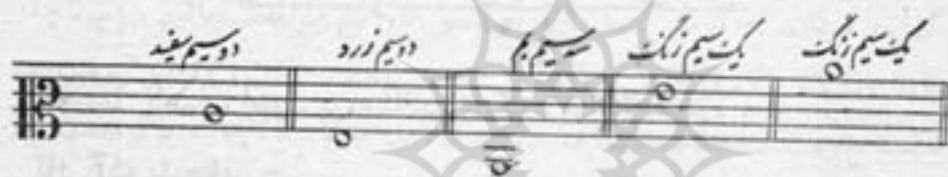
۲ - گوشیها را « کوشك » میگویند

۳ - شیطانك و پرده و دسته و خرك در هر دو زبان متداول است

۴ - نقاره را چناق كوچك و کاسه را چناق بزرگ گویند

۵ - پوست را روبه میگویند و از جنس دل گاو است .

طرز كوك کردن سیم‌های تار آذربایجانی علی‌المعمول چنین است :



دو سیم اول را « دو » و سیم‌های زرد را « سل » و سه سیم بزم را نیز « دو »
 و دو سیم آخر را با هم كوك می‌کنند - این دو سیم را سیم‌های « زنگوله » یا
 « زنگ » مینامند - یکی از زنگوله‌ها را « سل » و آن دیگری را که بم‌ترین
 سیم تار آذربایجانی است « دو » كوك می‌کنند .

سیم‌های زنگوله بیشتر جنبه «واخوان یا نغمه ثابت» را دارند و برای
 تقویت صدا بکار می‌روند . روی هم رفته تار آذربایجانی صدایی قوی‌تر از تار
 معمولی دارد ولی لطافت صدای آن کمتر از تار معمولی است . تکنیک نوازندگی
 آن نیز با تار معمولی متفاوت است .